خبرها

درس‌های رامسفلد از تاریخ

ایلنا: وزیر دفاع آمریکا گفت که کشورش با ظهور نوع جدیدی از فاشیسم مبارزه می‌کند. شینهوا گزارش داد «دونالد رامسفلد» در سخنرانی اخیر خود با اشاره به درس‌هایی از تاریخ از جمله شکست برای مقابله با هیتلر در سال‌های ۱۹۳۰ و سری حملات اخیر تروریست‌ها گفت: «با تروریست‌ها باید مقابله کرد و نباید مقابل آنها ساکت ماند.» او گفت: «من به این تاریخ اشاره می‌کنم زیرا یک بار دیگر ما شاهد چالش‌های مشابه در تلاش برای مقابله با تهدید فزاینده نوع جدیدی از فاشیسم هستیم.» وی افزود: «به نظر می‌رسد که هنوز خیلی‌ها هستند که درس‌های تاریخ را نیاموخته‌اند.» رامسفلد همچنین مطبوعات آمریکا را به خاطر نشان ندادن وجهه کامل جنگ علیه تروریسم مقصر دانست و گفت: «مطبوعات نقش منفی به جای مثبت در این زمینه داشته‌اند.» «کاندولیزا رایس» وزیر خارجه آمریکا نیز هشدار داد خروج نیروهای آمریکایی از عراق باعث تشویق افراد تندرو می‌شود. به گزارش خبرگزاری فرانسه رایس گفت عقب‌نشینی بدون برنامه دشمنان زیادی را در مقابل اصلاحات دموکراتیک برمی‌انگیزد. چنین اتفاقی باعث می‌شود دولت عراق مانند افغانستان در دهه ۹۰ میلادی شود.

پیشتازی لولا در برزیل و اورتگا در نیکاراگوئه

ایسنا: درحالی که نظرسنجی‌های انتخاباتی از پیروزی قریب به یقین لوئیس ایناسیو لولا داسیلوا در انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل حکایت دارد، او وعده داد که بودجه‌های دولتی و برنامه‌های اجتماعی بیشتری را به اقشار فقیر کشورش تخصیص خواهد داد. به گزارش خبرگزاری رویترز لوئیس ایناسیو لولا داسیلوا رئیس‌جمهور برزیل با آغاز مبارزات انتخاباتی‌اش برای انتخابات اول اکتبر به سرمایه‌گذاران برزیلی اطمینان خاطر داد که دنباله‌رو سیاست‌های مالی محتاطانه نخواهد بود. نتیجه یک نظرسنجی نشان می‌دهد لولا داسیلوا در انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل احتمالاً با کسب ۵۱/۴ درصد آرا بر رقیبش جرالدو آلکمین با ۱۹/۶ درصد آرا غلبه خواهد کرد. در نیکاراگوئه به‌رغم تلاش‌های آمریکا برای ممانعت از بازگشت دانیل اورتگا به قدرت نتایج تازه‌ترین نظرسنجی نشان داد که او پیشتازی‌اش نسبت به رقبای انتخاباتی خود را با شش درصد اختلاف حفظ کرده است. نتایج نظرسنجی انجام شده توسط موسسه گالوپ، حاکی از این بود که دانیل اورتگای چپ‌گرا که در دهه ۱۹۸۰ رئیس دولت ساندینیستای سوسیالیست نیکاراگوئه بود، با کسب ۲۹ درصد آرای مثبت پاسخگویان نسبت به رقبای خود پیشتاز است. واشینگتن از اورتگا به عنوان یک فرد غیردموکراتیک انتقاد کرده و سعی دارد که رقبای وی را تقویت کند. آمریکا در دهه ۱۹۸۰ نیز از شورشیان کونترا که با دولت ساندینیستای تحت حمایت شوروی سابق می‌جنگید، پشتیبانی می‌کرد.

حمایت سارکوزی از سیاست شیراک در لبنان

فارس: «نیکولا سارکوزی» وزیر کشور فرانسه حمایت کامل خود را از سیاست‌های «ژاک شیراک» رئیس‌جمهوری این کشور در مسئله لبنان اعلام کرد. سارکوزی در مصاحبه با شماره امروز فیگارو، عملکرد ژاک شیراک در پرونده بحران اسرائیل و لبنان را ستود و از درایت وی در برابر کسانی که از هیچ فرصتی برای انتقاد کردن و زیر سئوال بردن دیپلماسی فرانسه فروگذار نمی‌کنند تقدیر کرد. سارکوزی افزود درایت و احتیاط ایجاب می‌کرد که ما قبل از اعزام سربازانمان به جنوب لبنان در چارچوب نیروهای حائل سازمان ملل در لبنان (یونیفیل) تضمین‌های لازم را کسب کنیم و رئیس‌جمهور این کار را انجام داد. سارکوزی افزود: «من هم مثل رئیس‌جمهور معتقدم که کشورمان باید در جهان درخشش داشته باشد و چنین کشوری نباید در برابر ماموریت‌های این چنینی (بحران لبنان) شانه خالی کند. بلندپروازی به همراه اخلاق و صلح‌طلبی در سیاست شیراک برای درخشش فرانسه در جهان بود و من هم اعلام می‌کنم همین ویژگی‌ها را برای سیاست خارجی فرانسه قائل هستم.»

قول‌های بوش در سالگرد کاترینا

بی‌بی‌سی: جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا در نخستین سالگرد توفان ویرانگر کاترینا ضمن اذعان به ضعف عملکرد دولتش در رسیدگی به تبعات توفان، قول واکنشی بهتر در مقابل توفان‌های آینده را داده است. بوش روز سه‌شنبه در شهر نیواورلئان در یک مراسم یادبود شرکت کرد و گفت: «اگر توفان دیگری بیاید واکنش دولت بهتر خواهد بود.» در آن توفان که ایالت‌های می‌سی‌سی‌پی و لوئیزیانا را درهم کوبید تقریباً ۱۷۰۰ نفر جان خود را از دست دادند و هزاران نفر بی‌خانمان شدند. بوش گفت که کاترینا باعث جلوه‌گر شدن بهترین جنبه‌های آمریکا شد اما صحنه‌های تکان‌دهنده‌ای نیز خلق کرد. متاسفانه توفان باعث صحنه‌هایی شد که هرگز فکر نمی‌کردیم شاهد آنها باشیم؛ شهروندانی که در حیاط و ایوان خانه خود غرق می‌شوند... فروپاشی نظم و قانون و دولتی که در همه سطوح از اجرای درست مسئولیت‌های خود بازماند.» رئیس‌جمهور آمریکا گفت که او مسئولیت کامل واکنش دولت فدرال را به عهده می‌گیرد و افزود دولت در حال «رسیدگی به اموری است که به خطا رفت».

معرفی نماینده آمریکا برای حل مسئله پ‌ک‌ک

«تام کیسی» از سخنگویان وزارت امور خارجه آمریکا، ژنرال «جوزف رالستون» را به عنوان نماینده ویژه آمریکا در حل مسئله ترکیه با حزب کارگر کردستان ترکیه «پ‌ک‌ک» معرفی کرد. او گفت: رالستون از قابلیت ویژه‌ای برخوردار است وحل مسئله ترکیه با پ‌ک‌ک نیاز به کسی داشت که از توانایی سیاسی و امنیتی برخوردار باشد. ژنرال رالستون، پیشتر معاون رئیس ستاد مشترک «ناتو» و فرمانده نیروهای متحد این سازمان بوده است. کیسی روز سه‌شنبه به خبرنگاران در واشینگتن گفت: رالستون قصد دارد با همکاری دولت عراق و ترکیه خطر حملات تروریستی این گروه را از شمال عراق به ترکیه از بین ببرد. وی همچنین حملات اخیر این گروه به ترکیه را که موجب کشته و زخمی شدن شماری شد، محکوم کرد.

آلمان: جست‌وجو در باتلاق ترور

ماریام لاو
ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

افزایش تدابیر امنیتی در ایستگاه‌های قطار در آلمان

مقامات مسئول آلمانی پس از دستگیری عاملان احتمالی بمب‌گذاری در قطارهای مسافربری، در مورد وجود نسل جدیدی از تروریست‌ها در این کشور هشدار می‌دهند، نسلی جوان و آماده خشونت و بدون ساختار شبکه‌ای. با گذشت چندین روز از دستگیری «یوسف محمد» هنوز هم معمای بمب‌گذاری‌های ناکام اخیر در راه‌آهن آلمان حل نشده باقی مانده است. آیا این مظنون احتمالی به بمب‌گذاری در قطار سریع‌السیر کلن- کوبلنز همدستان دیگری هم داشته است؟ آیا اصولاً او بخش و عضوی از یک گروه تروریستی است؟ آیا طرح این بمب‌گذاری تنها واکنشی کوتاه‌مدت به مسئله جنگ لبنان بوده و یا از مدت‌ها پیش طراحی شده است؟ یوسف محمد از زمان ورودش به آلمان در سال ۲۰۰۴ به چه کاری مشغول بوده است؟ بنا به اعلام دادستان کل آلمان او در هر صورت دانشجوی مدرسه صنعتی کیل نبوده است و تنها در این مدرسه نام‌نویسی کرده بوده یعنی در مدرسه‌ای که معمولاً خارجی‌ها از امکانات تحصیلی آن استفاده می‌کنند و البته در هفت جولای در امتحان زبان این مدرسه نمره قبولی گرفته است.

همه این پرسش‌ها نه تنها نگاه‌ها را به سوی بازپرسی‌های سنگین و دشوار مقامات امنیتی معطوف می‌کند بلکه بر یک مسئله و مشکل اساسی تاکید دارد: مردم آلمان با چه جور آدم‌هایی سر و کار داشته‌اند؟ ظاهراً این تروریست‌های جدید با کسانی مثل «محمد عطا» که در سپتامبر ۲۰۰۱ دست به هواپیماربایی زد و پیش از آن به عنوان دانشجو در آلمان اقامت داشت اما در همان حال با شبکه تروریستی القاعده مرتبط بود و دوران آموزش تروریستی را هم در اردوگاه‌های افغانستان گذرانده بود، چندان شباهتی ندارند. این به اصطلاح بمب‌گذاران چمدانی از قماش همان کسانی هستند که عامل انفجار متروی لندن در سال ۲۰۰۵ و بمب‌گذاری ناموفق در آگوست امسال در هواپیماهای بریتانیا بودند. «مارک جی. سیجمن» نویسنده و کارشناس امور تروریسم می‌گوید که کارشناسان تروریسم صحبت از «نسل سوم» تروریست‌های به اصطلاح اسلام‌گرا و معضلات جدی مقامات امنیتی می‌کنند، معضلاتی تقریباً لاینحل که اگر دولت در نهایت فکری برای آن نکند، وضعیت از این هم بدتر خواهد شد. سیجمن که خود زمانی از ماموران سیا بوده است، عقیده دارد «دنیای غرب امروزه با یک جنبش اجتماعی سرو کار دارد، جنبشی با ساختارهای جنایت‌کارانه و بدون رهبر مشخص. روز به روز بر تعداد جوانان مسلمانی که به القاعده می‌پیوندند افزوده می‌شود و البته این پیوند به هیچ عنوان به معنای وجود یک سلسله مراتب نیست بلکه همان‌طور که گفتم بیشتر به صورت یک جنبش است.»

البته این مسئله در آلمان پدیده جدیدی نیست اما مدیر کل وزارت کشور یعنی «آگوست هانینگ» و دادستان کل آلمان یعنی خانم «ونیکا هام» همواره بر این مطلب تاکید دارند که حال پس از این حملات ناکام مانده اخیر باید بررسی شود که آیا واقعاً ساختارهای تروریستی در کشور آلمان وجود دارد یا نه.

کوتاه‌زمانی پس از حملات تروریستی به متروی لندن در سال ۲۰۰۵ یکی از ماموران ارشد پلیس جنایی آلمان به نام «کلاوس یانسن» ابراز عقیده کرد که مشکل اصلی در مبارزه با ترور در کشور آلمان این است که با وجود تحت نظر بودن سازمان‌های به ظاهر اسلامی و نیرومند و شناسایی شدن رزمندگان سابق افغانی در آلمان و البته با کمک‌های بین‌المللی، هنوز هم هیچ اقدامی برای تحت نظر قرار دادن نسل جوان آماده خشونت در این کشور انجام نگرفته است. در حال حاضر دولت آلمان تخمین می‌زند که چیزی حدود ۲۰۰ نفر از این دسته از جوانان آماده هرگونه خشونتی از این گونه هستند.

با این حال تا به امروز همه این گونه اقدامات تروریستی در کشور آلمان، از بمب‌گذاری افراد گروه موسوم به «ملیانی» به بازار کریسمس اشتراسبورگ در سال ۲۰۰۰ گرفته تا تلاش برای ترور نخست‌وزیر سابق عراق «ایاد علاوی» در دسامبر ۲۰۰۴ در برلین، ناکام مانده است. اما همه بر این عقیده‌اند که هیچ تضمین پایدار و مداومی برای موفقیت در ناکام گذاشتن اینگونه حملات وجود ندارد. «ولفگانگ شویبل» وزیر کشور آلمان رسماً اعلام کرده است که وضعیت امنیتی کشور کاملاً جدی است و وزیر امور خارجه ایالت شلسویک - هولشتاین یعنی «رالف اشتگنر» هم گفت: «خطر نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود.» البته عرصه سیاسی آلمان هم مثل همیشه خواستار شدیدتر شدن قانون ضدترور شده است. سیاستمداران آلمان در این رابطه خواهان جمع‌آوری اطلاعاتی بیشتر در زمینه مبارزه با ترور، افزایش دوربین‌های مداربسته در شهرها و اقدام به کنترل مکالمات تلفنی به عنوان پیشگیری هستند. «گویدو وستروله» دبیر کل حزب دموکرات آزاد آلمان در نظر دارد پس از برگزاری جلسات فراکسیون این حزب در پارلمان آلمان و پارلمان‌های ایالات، درخواست برای حضور ماموران مسلح در قطارهای مسافربری را ارائه دهد: «البته در صورتی که این اقدام امنیت قطارها را بالا ببرد و اصولاً امکان‌پذیر باشد.» یکی از نمایندگان براندنبورگ و عضو اتحادیه دموکرات مسیحی به نام «یورگ شون بوم» هم در تاکید و تکمیل صحبت‌های دبیر کل حزب دموکرات آزاد گفته است: «هر کس که به‌رغم مسائل روزهای اخیر همچنان طرفدار حفظ امنیت ایستگاه‌های راه‌آهن تنها از طریق دوربین‌های مداربسته و همواره در پی تاکید بر این مسئله باشد که نیروهای پلیسی تنها در صورت گزارش مقام‌های امنیتی می‌توانند در این موارد مداخله کنند، بی‌شک حرفی از سر بی‌مسئولیتی زده است» با این حال همان تصاویر ضبط شده ویدئویی و تبادل سریع اطلاعات، آشکارا نقش زیادی در دستگیری آن اولین مظنون ۲۱ ساله لبنانی داشت.

خانم «بریگیته زیپریس» وزیر دادگستری فدرال آلمان و عضو حزب سوسیال‌دموکرات ضمن آنکه گسترش مراقبت‌های به اصطلاح ویدئویی را ممکن می‌داند اما این پرسش را مطرح می‌کند: «قبل از آن باید روشن شود که به این صورت چه چیزهایی و با چه هدفی باید مورد مراقبت قرار گیرند. در حال حاضر روشن کردن این مسئله برای من بسیار ضروری‌تر از گسترش مراقبت‌های ویدئویی است.» این وزیر آلمانی در مورد مسئله اطلاعات و داده‌های جامع در مورد اقدامات ضد ترور می‌گوید: «ما در حال کار و بررسی جدی در مورد این طرح دولتی هستیم تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن آماده اجرا بشود. اما از آنجایی که اجرای این طرح مستلزم ذخیره‌سازی بسیار گسترده از داده‌ها و اطلاعات شخصی افراد است با مشکل مغایرت احتمالی با قانون اساسی روبه‌رو هستیم.»

با این وجود، کارشناسان امنیتی نسبت به این طرح‌ها و درخواست‌ها، احساس چندگانه‌ای دارند. سندیکای پلیس فدرال آلمان طرح استقرار مامورین مسلح در قطارها را عملی نمی‌داند. «یوزف شویرینگ» رئیس این اتحادیه می‌گوید: «نمی‌توان برای سی هزار قطاری که در روز در این کشور رفت و آمد می‌کنند، به تعداد لازم این نفرات را تامین کرد.» پرسش دیگر در این مورد این است که ماموران قطار چطور می‌توانند همه چیز را تحت کنترل داشته باشند و شویرینگ پاسخ می‌دهد: «واگن‌های قطار کاملاً با کابین هواپیما تفاوت دارند.»

در همین حال «کلاوس یانسن» عضو پلیس جنایی آلمان هم این طرح‌ها را غیر عملی و ناکافی عنوان می‌کند و عقیده دارد: «افزایش گشتی‌های پلیس و دوربین‌های مدار بسته به هیچ عنوان نمی‌تواند از وقوع حملات تروریستی جلوگیری کند! برای حمله‌کنندگان انتحاری هیچ کدام از این اقدامات اهمیتی ندارد و توجهی به آن نشان نمی‌دهند. اینکه قبل از انجام عملیات توسط دوربین‌های مراقب دیده شوند برای این افراد مشکلی ایجاد نمی‌کند زیرا اصولاً از اینکه شناسایی بشوند هراسی ندارند! نمی‌توان تصور کرد که اقدامات بازدارنده‌ای که تا به امروز انجام شده و موفقیت‌آمیز هم بوده، با واکنش‌های تروریست‌ها مواجه نشود. باید قبل از هر کاری پس زمینه‌های خانوادگی و عقیدتی و اجتماعی این افراد را مورد مطالعه قرار داد و بدین صورت دستورالعمل‌های پلیسی و پیشگیرانه را بر اساس ویژگی‌های این اشخاص و محیط پیرامون آنها طرح‌ریزی کرد.» علاوه بر این یکی از مقامات پلیس جنایی هامبورگ به نام «فرانک شون‌دوبه» عقیده دارد که در این مورد باید آموزش‌های تغییر یافته و ویژه‌ای را برای افراد پلیس در نظر گرفت و دست به کار استانداردهایی بومی در ایالات مختلف آلمان گردید: «در بیشتر ایالت‌های آلمان نارسایی آموزش‌های پلیسی همان نقطه ضعفی است که بنیادگرایان از آن استفاده می‌کنند.» گذشته از آن مبارزه با چنین جنایت‌هایی پول زیادی می‌طلبد که البته موجود نیست. شون دوبه نیز مانند یانسن خواهان اقداماتی جامع و همه‌جانبه برای مبارزه با این گونه جرم و جنایت‌ها است.

به دلیل اجتناب از واکنش‌های سیاسی، مقامات امنیتی آلمان به بهانه «اصول تاکتیکی» رو به اطلاع‌رسانی قطره‌ای آورده‌اند و کاملاً آگاهانه نسبت به منابع اطلاعات خود سکوت اختیار کرده‌اند. این مسئله حتی در گفته‌های رئیس سابق اداره اطلاعات و امنیت فدرال آلمان یعنی «آگوست هانینگ» هم مشخص است. هانینگ که در حال حاضر یکی از پست‌های مهم دولت آلمان را در اختیار دارد ظاهراً طرفدار گسترش مراقبت‌های ویدئویی است و می‌گوید: «بدون محافظت‌ها و مراقبت‌های ویدئویی به هیچ موفقیتی نخواهیم رسید.» نزدیک به ۱۴ ساعت پس از آنکه پلیس جنایی آلمان فیلم‌های دوربین‌های مداربسته نصب شده در ایستگاه راه‌آهن را منتشر کرد، یوسف محمد دستگیر شد. آیا واقعاً می‌توان دستگیری او را به دلیل آن فیلم ویدئویی دانست. یکی از شبکه‌های تلویزیونی آلمان خبر دستگیر شدن این فرد را از طریق یکی از گزارش‌های نهادهای امنیتی لبنان دریافت کرد. طبق این گزارش اداره اطلاعات و امنیت ارتش لبنان متوجه تماس تلفنی جوانی ۲۱ ساله با خانواده‌اش می‌شود. این تماس تلفنی پس از آنکه این دانشجوی مقیم آلمان تصویر خود را در تلویزیون می‌بیند، برقرار شده است و بر اساس همین اطلاعات، پلیس جنایی آلمان دست به کار شده و اقدام به بازداشت این دانشجو در شهر کیل می‌کند. اما هنوز هم پرسش‌ها در مورد مردان پشت پرده این عملیات به قوت خود باقی است.

منبع: دی‌ولت

تلاش حزب کارگر برای خلاص شدن از بلر

گروه بین‌الملل: نگرانی از شکست در انتخابات، اعضای حزب کارگر انگلیس را به تکاپو انداخته تا برای برکناری نخست‌وزیر این کشور چاره‌ای بیندیشند. روزنامه گاردین روز گذشته در گزارشی نوشت هراس از شکست در انتخابات آینده انگلیس، به ویژه در مناطق جنوب و شرق این کشور باعث مطرح شدن مباحثی جدید در میان نمایندگان حزب کارگر درباره شیوه کناره‌گیری بلر شده است. ممکن است آنها به صورت علنی و گروهی در نامه‌ای از «تونی بلر» بخواهند که در سخنرانی‌اش در کنفرانس حزب کارگر زمانبندی مشخص و شفافی برای کناره‌گیری از قدرت ارائه دهد. هواداران بلر از سوی دیگر معتقدند تهیه نامه‌ای برای تعیین دقیق کناره‌گیری او به عنوان سندی در تایید اختلافات درون حزبی مورد استفاده و سوءتعبیر قرار خواهد گرفت و تنها زمانی موثر خواهد بود که تعداد زیادی از نمایندگان آن را امضا کنند. اما مخالفان نخست‌وزیر معتقدند که می‌توانند علاوه بر نمایندگان شورشی و مخالفان دوآتشه در پارلمان، امضای تعداد زیادی از نمایندگان دیگر را نیز جمع کنند. نمایندگانی چون مارتین لیتون، مایک گیپس، کیتی آشر و جیم دوودکه قبلاً از هواداران و وفاداران بلر بودند، اما اخیراً او را به خصوص به دلیل سیاست‌های خارجی‌اش مورد انتقاد قرار داده‌اند، از جمله نمایندگان مورد نظر مخالفین بلر برای امضای نامه هستند.

به نوشته گاردین اقدام احتمالی دیگر حزب کارگر در کنفرانس ماه سپتامبر می‌تواند تلاش برای آماده‌سازی شرایط انتخابات زودهنگام رهبری حزب باشد، اما این گزینه نیازمند موافقت اتحادیه‌ها در انگلیس است و احتمالاً رد خواهد شد. بسیاری از مخالفان بلر هم معتقدند اگر «گوردون براون»، جانشین احتمالی بلر با چنین اقدامی به رهبری حزب برسد متحمل صدمات سیاسی بسیاری خواهد شد. براون و همراهانش در نقشه اخیر نمایندگان برای برکناری بلر نقشی ایفا نکرده‌اند و «اد بالز» متحد اصلی او روز دوشنبه از هم‌حزبی‌هایش درخواست کرد از انجام اقداماتی که باعث تفرقه‌افکنی در حزب کارگر می‌شود بپرهیزند و خطر چنین انتقال قدرت‌هایی را با یادآوری روزهای آخر «مارگارت تاچر» نخست‌وزیر اسبق انگلیس گوشزد کرد.

برخی نمایندگان حزب کارگر پیش از این قصد داشتند با امضای نامه‌ای از بلر بخواهند در ماه مه پس از برگزاری انتخابات محلی کناره‌گیری کند، اما پس از آنکه بلر در آن جلسه پارلمان تلویحاً احتمال کناره‌گیری‌اش در سال آینده میلادی را مطرح کرد، از این کار صرف‌نظر کردند. اما در روزهای اخیر وزرای طرفدار بلر در کابینه از جمله سخنگوی او تاکید می‌کنند که بلر برنامه کاملی برای دوران نخست‌وزیری‌اش دارد. از این رو نمایندگان معترض به این نتیجه رسیدند که باید فشار سیاسی را از طریق امضای یک نامه جمعی برای درخواست تعیین تاریخ دقیق کناره‌گیری بلر، افزایش دهند. آنها تغییر موضع برخی نمایندگان وفادار به بلر را که اکنون خطر حزب رقیب محافظه‌کار و رهبر جوان آن «دیوید کامرون» را جدی تلقی می‌کنند و خواهان کناره‌گیری بلر هستند، از نشانه‌های لزوم این اقدام می‌دانند. نظرسنجی اخیر گاردین و ICM نشان داد که محبوبیت حزب کارگر به پایین‌ترین میزان در ۱۹ سال گذشته رسیده و محافظه‌کاران با برتری ۹ درصدی در بهترین وضعیت خود در ۱۴ سال اخیر هستند.

بلر پیش از آغاز تعطیلات تابستانی خود به متحدانش گفته بود که قصد دارد پیش از کنفرانس حزب تصمیم‌هایش را به طور صریح بیان کند. نخست‌وزیر انگلیس قصد دارد بحثی را درباره آینده حزب کارگر و چالش‌های پیش روی این حزب در ۱۰ سال آینده در کنفرانس حزب مطرح کند. متحدان سیاسی بلر معتقدند طرح چنین مسئله‌ای بدون اطلاع حزب و رسانه‌ها از زمان دقیق کناره‌گیری بلر غیرممکن خواهد بود. تونی بلر در دو هفته آینده سه سخنرانی مهم در پیش دارد که یکی از آنها ۱۲ سپتامبر ایراد خواهد شد.

چاوس و اسد در برابر آمریکا متحد می‌شوند

گروه بین‌الملل: هوگو چاوس رئیس‌جمهوری ونزوئلا که پس از دیدار از چین و مالزی به سوریه سفر کرده روز چهارشنبه اظهار داشت که کاراکاس و دمشق در برابر سلطه‌جویی‌های دولت آمریکا در خاورمیانه با یکدیگر متحد خواهند شد. به گزارش آسوشیتدپرس چاوس که اواخر روز سه‌شنبه به محض رسیدن به فرودگاه بین‌المللی دمشق با استقبال گرم بشار اسد رئیس‌جمهوری این کشور روبه‌رو شد طی تماس تلفنی با تلویزیون دولتی کشورش گفت: ما برای برقراری صلح به دمشق آمده‌ایم. سوریه و ونزوئلا در برابر سلطه‌گری و رفتارهای هژمونیک دولت آمریکا موضعی کاملاً متحد اتخاذ کرده‌اند. چاوس که چندی پیش به ایران سفر کرده بود همزمان با سردی مناسباتش با اسرائیل، با برخی کشورهای خاورمیانه از جمله ایران و سوریه روابط خوبی برقرار کرده است. رئیس‌جمهوری ونزوئلا حملات اسرائیل به لبنان را با هولوکاست مقایسه کرده است. اوایل ماه جاری نیز او به نشانه اعتراض به کشتار گسترده غیرنظامیان لبنانی توسط رژیم اسرائیل، دیپلمات عالی کشورش را از اسرائیل فراخواند. اسرائیل نیز در واکنش به این اقدام چاوس، سفیر خود در ونزوئلا را فراخواند و از سیاست‌های چاوس که آنها را یک جانبه‌گرایانه نامیده به شدت انتقاد کرد. بشار اسد نیز در این سفر از رئیس‌جمهوری ونزوئلا و حمایت‌هایش از کشورهای خاورمیانه تشکر کرد. اسد گفت: من از رفتارهای صادقانه شما با مردمی که خواهان احقاق حق خود هستند و تحت اشغال قرار گرفته‌اند و همچنین از احساسات خالصانه و انسانی شما تشکر می‌کنم. به گفته چاوس قرار است مقامات دو کشور سندی را در مخالفت با تعرضات واشینگتن در خاورمیانه به امضا برسانند. در این حال تام کیسی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت که چاوس باید با اعمال فشار از سوریه بخواهد که با قطعنامه شورای امنیت مبنی بر استقرار نیروهای حافظ صلح در لبنان موافقت کند.

■ میلیون‌ها دلار برای سرنگونی چاوس

روزنامه گاردین در گزارشی نوشته که دولت آمریکا از طریق سازمان کمک‌های بین‌المللی آمریکا (USAID) به گروه‌های مختلفی کمک مالی می‌رساند تا دولت ونزوئلا و هوگو چاوس را تضعیف کند. به نوشته این روزنامه، اطلاعاتی که از سازمان USAID به دست آمده نشان می‌دهد تا به حال چندین میلیون دلار به گروه‌های مخالف دولت ونزوئلا پرداخت شده تا در این کشور تغییراتی ایجاد کنند. این پول از طریق دفتر طرح‌های انتقالی این سازمان و در قالب برنامه «حمایت از دموکراسی» پرداخت شده است و تلاشی مخفیانه برای تقویت جبهه مخالف برای شکست دادن دولت است. این مسئله پس از آن مورد توجه قرار گرفت که دولت آمریکا اعلام کرد ۸۰ میلیون دلار به گروه‌هایی خواهد داد که در پی ایجاد تغییرات در کوبا هستند که فیدل کاسترو رهبر آن متحد نزدیک هوگو چاوس است. با درخواست آسوشیتدپرس که طبق قانون آزادی اطلاعات صورت گرفته، سازمان USAID کپی ۱۳۲ قرارداد خود با گروه‌های مخالف دولت ونزوئلا را دراختیار این خبرگزاری قرار داد اما جزئیات نام‌ها و مشخصات حدود نیمی از این گروه‌ها را حذف کرد. دفتر طرح‌های انتقالی این سازمان که در کشورهای در اولویت مثل عراق، افغانستان، بولیوی و هائیتی نیز فعالیت دارد از سال ۲۰۰۲ تاکنون بیش از ۲۶ میلیون دلار به گروه‌های ونزوئلایی پرداخت کرده است. از جمله جزئیات موجود در این اطلاعات می‌توان به ۴۷ هزار و ۴۵۹ دلار کمک به «مبارزه برای رهبری دموکراتیک»، ۳۷ هزار و ۶۱۴ دلار کمک برای گردهمایی شهروندان و شرکت در کنفرانس «دیدگاه مشترک» درباره جامعه و همچنین ۵۶ هزار و ۱۲۴ دلار برای تحلیل قانون اساسی جدید ونزوئلا اشاره کرد.

گفت‌وگو

رئیس‌جمهور فنلاند در گفت‌وگو با یورونیوز

روسیه، فرصت است

ترجمه: معصومه انتظام

با توجه به اینکه فنلاند ریاست اتحادیه اروپا را تا پایان دسامبر برعهده دارد رئیس آن یعنی تاریا هالونن در روزگاری بحرانی خود را در سمت ریاست اتحادیه می‌یابد. وی اولین رئیس‌جمهور زن فنلاند است که در آغاز ۶ ساله دوم ریاست‌جمهوری خود از هشتاد درصد محبوبیت در آخرین رای‌گیری برخوردار است. خبرنگار یورونیوز به اقامتگاه تابستانی در کالتارانتا دعوت شده. جایی که این سیاستمدار سوسیال‌دموکرات که چندین دوره وزیر بوده است در استراحت به سر می‌برد. مکانی آرام پیشاپیش بحران‌هایی که در راه است.

■■■

■ موضوعی که در دوره ریاست شما مطرح شده «بعد نروژی» گفته می‌شود. این در مفهوم اروپایی به چه معنا است؟

هالونن: یعنی، جمع‌کردن ملت‌های ساکن در اطراف دریای بالتیک به طریقی که در دهه‌های گذشته ملت‌های دور دریای مدیترانه این کار را می‌کردند. یعنی جمع‌کردن همسایگان در قالب یک اتحادیه. در جنوب بعضی از کشورها عضو هستند، عده‌ای درصدد عضو شدن هستند و مابقی هرگز علاقه‌ای به عضو شدن ندارند. در شمال، البته ما اعضا و کشورهایی مثل روسیه داریم که شریک ما است و از توان‌های بالقوه غنی در آینده برخوردار است. دیگر کشورهای شمالی مثل نروژ و ایسلند ثروتمند کشورهای توسعه یافته‌اند، اما تاکنون به دنبال عضویت نبوده‌اند.

■ مدل دولت رفاه به سبک نروژی امنیت اجتماعی را با رقابت بسیار جدی تلفیق می‌کنند که مورد توجه بسیاری از سیاستمداران اروپایی است. آیا الگوی شما به جز اروپا در جای دیگری هم کاربرد دارد؟

در اروپا ما مجبوریم رقابت کنیم. این مسابقه است. در فنلاند، سوئد و هر جای دیگری مجبوریم به کیفیت اهمیت دهیم. به کمیت نمی‌توان توجه کرد. بنابراین برای رسیدن به کیفیت ما مجبوریم که روی عوامل کیفیت تمرکز کنیم و این یعنی عین نیروی کار. به نظر من اگر اروپا به آموزش، آموزش و آموزش بها دهد سریعاً به عرصه رقابت بین‌المللی پا گذاشته است. من این را تکرار می‌کنم که در خاطرمان بماند و به این باید پژوهش و انواع دانش را بیفزایم. استراتژی لیسبون دیگر چیز تازه‌ای نیست، هنوز هم کاربردی ندارد. البته عالی به نظر می‌رسد و من فکر می‌کنم که عدم تمایل اروپا به اتحادیه اروپایی تا حدودی به علت این واقعیت است که ما نتوانسته‌ایم تمایل آنها را با رقابت بزرگ که در بازار داخلی وجود دارد ارضا کنیم.

■ در نزاع برای کسب تساوی چه وقت می‌شود که خبر انتخاب یک زن، دیگر عجیب نباشد؟

البته ما نیازمند آنیم که زنان به اندازه مردان انتخاب شوند و این ایده‌ای قدیمی است که زنان باید در انتخابات سه‌برابر مردان شرکت کنند تا شانس انتخاب شدن داشته باشند. نیمی از جمعیت، زنان هستند و اگر از این نیمه جامعه بشری همانند سایر امتیازات استفاده نکنیم، بازنده‌ایم. قبل از هر چیز آمارها و ارقام گویا است و به ما کمک می‌کند. زنان فنلاندی کل حقوق خود را از صد سال پیش به دست آورده‌اند. در حال حاضر نزدیک به ۴۰ درصد نمایندگان پارلمان زن هستند. در دولت اخیراً بیش از ۴۰ درصد مناصب وزارتی در دست زنان است چرا که احزاب سیاسی بحث تساوی را به صورت جدی دنبال می‌کنند. در اینجا به بحث زنده‌ای در مورد زنانی که در قدرت هستند رسیده‌ایم که فقط منحصراً در بخش دولتی نیست بلکه به بخش خصوصی هم مرتبط می‌شود زیرا در بخش خصوصی دورنمای پیشرفت زنان ناچیز است.

■ در بیستمین سالگرد فاجعه چرنوبیل هستیم. بسیاری از جوامع اروپایی از قدرت هسته‌ای می‌ترسند اما شما درصدد توسعه این کار هستید.

من فکر می‌کنم ما در فنلاند و هر جای دیگری از اروپا از قبل پخته‌تر شده‌ایم و می‌توانیم در این باره مسئولانه حرف بزنیم. ما می‌خواهیم ریاست فنلاند در اتحادیه اروپا شانسی برای باز کردن و طرح این مباحث و گستردن آن باشد. بنابراین می‌توان گفت‌وگوی تولیدکننده - مصرف‌کننده را وسیع‌تر کرد. چندین کشور که به انرژی هسته‌ای علاقه‌مند هستند راهی را توسعه داده‌اند که باعث کاهش اتکای ما به انرژی خارجی می‌شود. اما آن تنها روش رویارویی با قضیه نیست. ما باید راه‌حلی بیابیم که درباره موضوع با آرامش بحث کنیم.

■ در طول جنگ جهانی دوم فنلاند با روسیه می‌جنگید. از آن زمان با وجود جنگ سرد روابط دوستانه بوده است. اتحادیه اروپا از این تجربه چه استفاده‌ای می‌تواند بکند؟

این رابطه بسیار صمیمی دو همسایه است که دهه‌ها با هم زندگی کرده‌اند. چه فنلاندی، چه روسی. می‌توانیم این تجربه خاص را حتی بیش از آنچه که در سال‌های اخیر عمق پیدا کرده، تعمیم دهیم.

■ روسیه اکنون قوی‌تر شده است آیا می‌تواند تهدیدی برای همسایگان باشد؟

روسیه بیش از تهدید، یک فرصت است. چندین بار گفته‌ام؛ روسیه‌ای که امروز داریم از هر زمانی بهتر و در ارزش‌های اتحادیه اروپا سهیم است و برای دفاع از آنها مبارزه می‌کند. وقتی تغییر و تحولی روی دهد خطراتی پیش می‌آید و این نه فقط در مورد روسیه و فنلاند، بلکه در کل اروپا هم صدق می‌کند.

■ مقامات بلندپایه در سازمان‌های بین‌المللی مثل سازمان ملل اغلب از دولت‌های کوچک انتخاب می‌شوند. اگر از شما خواسته شود، دبیرکلی سازمان ملل را می‌پذیرید؟

البته. هر کسی هم باشد از چنین پیشنهادی خوشحال می‌شود. در حال حاضر آسیا درصدد معرفی کردن نامزدی است؛ با وجود اینکه هیچ قواعدی برای این کار تعریف نشده است. بیش از هر چیز امیدوارم کاندیدایی پیدا شود که از عهده این کار برآید. سازمان ملل باید نماینده کل دنیا باشد و من امیدوارم که در این مورد به توازنی دست یابیم. به هرحال اگر نامزدهای زن شایسته هم پیدا شوند، صرف‌نظر از اصل و نسب آنها، باید صلاحیتشان را پذیرفت.